

A Potentiality Study into the References of Shi'ite Political Jurisprudence in Haram Businesses (Makasib-e Moharrameh)¹

Bushra Abdkhodaei¹

Mohammad Taqi Fakhlaei²

Seyed Mohammad Taghi Ghabooli Darafshan³

1. PhD, Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. bshabd70@gmail.com

2. Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, Ferdowsi University, Mashhad, Iran (**Corresponding Author**). fakhlaei@um.ac.ir

3. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. ghabooli@um.ac.ir

Received: 1 March 2019; **Accepted:** 10 May 2020

Abstract

The objective of this study is to answer how can we use the subjects in Haram Businesses (Makaseb-e Moharrameh) as one of the most extensive jurisprudential issues to explain the principles and references in political jurisprudence. In this regard and using descriptive analysis, the present study aims to delve into the potentiality of political jurisprudence in Makaseb-e Moharrameh. Principles and issues as well as Ijtihad references in the political jurisprudence recognized by the study of jurists' approach in inferring the political issues in Makaseb-e Moharrameh are among the most significant issues in this research. The most important results of this study denote identification of the potentials of in Makaseb-e Moharrameh in order to recognize complementary references for Ijtihad in political jurisprudence such as reason, purposes of shariat, and place and time requirements. Thus the faculty of reason can play an import role in determining the borders of political rules and the criterion for prioritization in overlapping situations in political jurisprudence. The function of religious purposes can also be consiodered in the exegesis of Qur'anic verses in the process of inferring religious rules and prioritization criterion in overlapping situations. In contemporary approaches to political jurisprudence like Imam Khumeini's approach, time and place requirements as the complementary references in Ijtihad and expediency in political jurisprudential issues are also taken into account.

Keywords: Political Jurisprudence, Maksib (Businesses), Moharram (Haram), Imam Khumeini, Ijtihad (Independent Reasoning), Reason, Purposes of Shari'at

1. This article is extracted from the Ph.D. dissertation entitled "Overlapping Fields in the Political Jurisprudence and the Approach of Imamieh Jurists in Solving that (Area of Research: Issues in Makaseb-e Moharrameh)" by Boshra Abd Khodaei, supervised by Dr. Muhammad Taqi Fakhali, Advisor: Seyed Muhammad Taqi Qabuli Dor Afshan, Faculty of Theology, Department of Fiqh and Principles of Islamic Law, Ferdowsi University, Mashhad, Winter 1398.

ظرفیت‌سنجی منابع فقه سیاسی شیعه در مباحث مکاسب محرمه^۱

بشری عبدخدایی^۱

محمدتقی فخلعی^۲

سید محمدتقی قبولی درافشان^۳

۱. دکتری، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. bshabd70@gmail.com

۲. استاد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول). fakhlaei@um.ac.ir

۳. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. ghabooli@um.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش بود که از موضوعات مکاسب محرمه به عنوان یکی از گسترده‌ترین موضوعات فقه، چگونه می‌توان در تبیین مبانی و منابع فقه سیاسی بهره جست؟ در این راستا، پژوهش حاضر با روش تحلیلی - توصیفی به واکاوی ظرفیت‌هایی از فقه سیاسی موضوعات مکاسب محرمه پرداخته است. قواعد و مسائل فقه سیاسی و منابع اجتهاد در فقه سیاسی که با بررسی رویکرد فقها در استنباط موضوعات سیاسی در مباحث مکاسب محرمه قابل شناسایی است، عمده مباحث مورد بررسی در این پژوهش بودند. مهم‌ترین نتایج تحقیق، شناسایی ظرفیت موضوعات مکاسب محرمه در شناسایی منابع تکمیلی برای اجتهاد در فقه سیاسی است که می‌توان ضرورت توجه به عقل، نظارت مقاصد شریعت و نیز توجه به مقتضیات زمان و مکان را به عنوان این منابع نام برد. بدین صورت که عقل می‌تواند نقش مهمی در تعیین حدود موضوعات احکام سیاسی و نیز تشخیص ملاک اهم در موقعیت تراحم در فقه سیاسی داشته باشد. کارکرد مقاصد شریعت را نیز می‌توان در تفسیر نصوص در فرایند استنباط احکام شرعی و نیز شناخت ملاک اهم در موقعیت‌های تراحم پس از استنباط مورد توجه قرار داد. در رویکردهای معاصر به فقه سیاسی مانند رویکرد امام خمینی، توجه به مقتضیات زمان و مکان نیز به عنوان منابع تکمیلی در اجتهاد و تشخیص مصلحت در مسائل فقه سیاسی مورد استفاده قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: فقه سیاسی شیعه، مکاسب محرمه، امام خمینی، اجتهاد، عقل، مقاصد شریعه.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان: «عرضه‌های تراحم در فقه سیاسی و رویکرد فقیهان امامیه در علاج تراحم (حوزه تحقیق: موضوعات مکاسب محرمه)» است. دانشجو: بشری عبدخدایی، استاد راهنما: دکتر محمدتقی فخلعی، استاد مشاور: دکتر سید محمدتقی قبولی درافشان. دانشکده الهیات، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، تاریخ دفاع: زمستان ۱۳۹۸.

۱. مقدمه

فقه سیاسی با وجود کاربرد وسیع آن پیشنهادی در ادبیات سنتی فقه ندارد و در چارچوب گفتمان اسلام سیاسی فقه‌ای آفریده شده است (میراحمدی، ۱۳۸۹: ص ۵۷). فقه سیاسی در تعریفی اوسع عهده‌دار تدبیر امور جامعه اسلامی و بیان احکام و مسائل مربوط به حوزه اجتماعی زندگی مسلمانان است. در این نگاه بسیاری از مسائل فقه اجتماعی در دایره فقه سیاسی می‌گنجد. در واقع فقه سیاسی مجموعه احکام و قوانین تکلیفی و حقوقی ناظر به امور عمومی یا امور خصوصی است که به نحوی با امور عمومی مرتبط بوده و به تنظیم روابط دولت‌ها با مردم و دولت‌ها با یکدیگر می‌پردازد (نصرتی، ۱۳۹۳: ص ۱۸۵؛ فقیهی، ۱۳۹۱: ص ۱۹). براساس بینش اعتقادی شیعه مبنی بر لزوم امامت و لزوم اقامه دولت حق توسط امام معصوم (ع) مسائل فقه سیاسی جزء جدا نشدنی از فقه عام است. لذا شایسته بود بخشی مستقل تحت این عنوان در فقه تدوین گردد، اما به علل مختلفی چون فقدان شرایط تشکیل دولت شیعی مستقل و فشارهای سیاسی حکام مخالف این امر محقق نگردید (عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ص ۱۱). در دوران معاصر و با روی کار آمدن حکومت جمهوری اسلامی ایران، لزوم پاسخگویی به مسائل فقه سیاسی، نیازمندی مطالعات گسترده، جهت منسجم ساختن مباحث این شاخه از فقه را میان فقه‌پژوهان پدید آورده است. در این راستا فهم میراث سیاسی اسلام و بازتولید آن براساس اقتضائات سیاسی معاصر ضروری است (رضوانی، ۱۳۹۷: ص ۶۲). طرح مباحثی چون شناخت مبانی اجتهادی و کلامی، پیشینه و منبع‌شناسی، اصول و قواعد، مسائل مستحدثه، مکاتب و گفتمان‌ها و تطبیق دیدگاه‌های فرق در این راستا است (میراحمدی، ۱۳۸۹: ص ۱۶۵-۱۵۱).

با توجه به ضرورت فوق، پژوهش حاضر به بررسی یکی از منابع ارزشمند و جامع فقه معاملات جهت ظرفیت‌یابی اندیشه سیاسی امامیه پرداخته است. این منبع پربار گنجینه مباحث مکاسب محرمه است که از گذشته فقه همواره مورد توجه فقیهان قرار داشته و با اثر ارزشمند و کم‌نظیر شیخ انصاری اهمیت آن افزون گشته است. کتابی با عنوان «المکاسب» که پس از آن با اقبال چشم‌گیر فقها روبرو شد و مجلدات بسیاری در شرح و بسط موضوعات آن تدوین گردید. تحقیق پیش‌رو درصدد پاسخ به این پرسش است که آیا موضوعات مکاسب محرمه که دربردارنده عمده‌ترین مسائل در زمینه فقه

تجارت است و به موضوعاتی چون شرایط بیع و عوضین، انواع کسب‌های مستحب، مکروه و حرام، به نحو اکمال پرداخته است، در خلال مباحث خود ارائه‌کننده ظرفیت‌هایی برای شناسایی مبانی و مسائل فقه سیاسی به منظور تعمیق مطالعات در این شاخه فقه است یا خیر؟

از این‌رو پژوهش حاضر با نگاه خوش‌بینانه و مثبت نسبت به وجود ظرفیت مطالعات فقه سیاسی در مباحث مکاسب محرمه، به واکاوی موضوعات آن پرداخته است. در بخش نخست این پژوهش به صورت اجمالی موضوعات فقه سیاسی در مکاسب محرمه تحت دو عنوان مسائل و قواعد فقه سیاسی طرح شده است تا ظرفیت‌های مطالعات فقه سیاسی تا حدودی روشن گردد. بدیهی است این بخش پژوهش عهده‌دار تحلیل دقیق هر یک از مباحثی که تحت عناوین نامبرده ذکر می‌گردد، نیست، بلکه مطابق هدف پژوهش، اجمالاً درصدد اثبات وجود ظرفیت موضوعات مکاسب محرمه در فقه سیاسی و شناسایی موضوعات فرعی آن است. در بخش اصلی پژوهش به تفصیل به یکی دیگر از ظرفیت‌های مطالعات فقه سیاسی در موضوعات مکاسب محرمه، تحت عنوان منابع اجتهاد در فقه سیاسی پرداخته شده است و در واقع پاسخ‌گوی پرسش مربوط به موقعیت و نقش منابع فقه سیاسی در منظومه فقهی است. شایان ذکر است در این قسمت بیشترین بهره‌مندی از مکاسب محرمه امام خمینی بوده است که ایشان با بینش عمیق سیاسی خود نقش عمده‌ای در تبیین منابع اجتهاد در فقه سیاسی دارند.

۲. مروری بر موضوعات فقهی با ماهیت سیاسی در مکاسب محرمه

چنان‌که اشاره شد این تحقیق با روشی توصیفی به ظرفیت‌یابی برخی مباحث فقه سیاسی می‌پردازد. این واکاوی در موضوعات مکاسب محرمه و در کتب مختلف صورت گرفته است. حاصل نظرات فقها را می‌توان ذیل سه عنوان بررسی کرد:

۲-۱. قواعد فقه سیاسی

قواعد فقه سیاسی اصولی کلی است که با ادله شرعی ثابت شده و در چارچوب مباحث فقه سیاسی قرار دارد تا با انطباق بر آن‌ها حکم مسائل فقه سیاسی به دست آید (شریعتی، ۱۳۸۷: ص ۳۰). در خلال موضوعات مکاسب محرمه فقیهان از قواعد فقهی استفاده کرده‌اند. برخی از این قواعد عبارت است از:

الف- تزامم و قاعده ترجیح اهم: تزامم امثالی به معنای ممانعت از امتثال دو حکم فعلی دارای ملاک است (صدر، ۱۴۱۷ق: ج ۳، ص ۶۶)، در این حالت مکلف باید بر طبق مرحجات باب تزامم عمل کند. مهم‌ترین مرحجات باب تزامم «تقدیم اهم بر مهم» است. لذا از قواعد فقه سیاسی، قاعده تقدیم اهم بر مهم (تزامم) است.

ب- حسم ماده فساد: یکی از قواعدی که در میان موضوعات مکاسب محرمة می‌توان یافت، قاعده حسم (قلع) ماده فساد است. از جمله این موضوعات می‌توان حرمت هیاکل عبادات و اصنام، حرمت شرب خمر، حرمت اعانه بر ساختن شراب و مانند آن، حرمت فروش دراهم مغشوش (تقلبی) و حرمت حفظ کتب ضاله را نام برد.

ج- حرمت اعانه بر اثم: یکی از قواعدی که در کتب قواعد فقه مورد توجه فقیهان قرار دارد، قاعده حرمت اعانه بر اثم است. این قاعده در مسائل سیاسی مطرح شده در کتاب مکاسب مانند حرمت بیع سلاح به دشمنان دین، حرمت حفظ کتب ضلال و حرمت ولایت حاکم جائز مورد توجه قرار گرفته و کاربرد آن در مسائل فقه سیاسی بررسی شده است.

د- اختلال نظام: از قواعدی که گستره عامی در مسائل فقه سیاسی دارد، قاعده حفظ نظام است. وجوب حفظ نظام و در مقابل آن حرمت اختلال نظام، در دو موضوع اخذ اجرت بر واجبات و جواز اخذ جایزه سلطان مکاسب محرمة مطرح شده است.

ه- حرمت تقویت باطل و وهن حق: از دیگر قواعدی می‌باشد که در فقه سیاسی، حرمت تقویت باطل و وهن حق است. مهم‌ترین روایت در این موضوع، روایت تحف العقول است که شیخ انصاری در ابتدای مباحث مکاسب محرمة ذکر کرده است. صاحب عروه یکی از قواعد مستخرج را «حرمت تقویت باطل و وهن حق» می‌داند (یزدی، ۱۴۲۱ق: ج ۱، ص ۴). در کتاب مکاسب محرمة در خلال برخی مسائل سیاسی مانند حرمت بیع سلاح به اعداء دین و حرمت حفظ کتب ضاله از قاعده حرمت تقویت باطل و وهن حق سخن گفته شده است.

باید گفت رویکردهای فقها در بیان این قواعد در دو ناحیه ظرفیت‌های وسیعی برای مطالعات فقه سیاسی دارد. اولاً، شناخت قواعدی که در فقه سیاسی کاربرد ویژه دارد و ثانیاً تبیین بهره‌گیری‌های سیاسی و حکومتی که بویژه در آراء امام خمینی دیده می‌شود.

۲-۲. مسائل فقه سیاسی

مسائل فقه سیاسی در واقع موضوعات فرعی این مبحث فقهی است. آنچه اهمیت شناخت مسائل فقه سیاسی را بیشتر می‌نماید آن است که فقه سیاسی در تقسیم‌بندی‌هایی که فقهای گذشته راجع به موضوعات فقهی صورت داده‌اند، دارای عنوان مستقلی نیست و مسائل این موضوع به طور پراکنده ضمن سایر ابواب فقه در کتاب‌های فقهی قرار دارد. در این راستا، مسائل فقه سیاسی در موضوعات مکاسب محرمه را می‌توان موارد ذیل دانست:

الف- **بیع سلاح به اعداء دین:** بیع سلاح به دشمنان دین از مباحث مکاسب محرمه است که معاصر پیشینه‌ای گسترده دارد. بررسی انواع دیدگاه‌های فقهی در خصوص موضوع بیع سلاح به دشمنان دین به عنوان یکی از مسائل فقه سیاسی ضروری است.

ب- **حفظ کتب ضاله:** این موضوع دارای ماهیت سیاسی است، زیرا حکومت‌ها به خصوص در جوامع امروزی نقش تعیین‌کننده‌ای در کنترل اطلاعات و مسائل انحرافی دارند.

ج- **ولایت‌پذیری از حاکم جائز:** از مباحث مهم فقه سیاسی بحث ولایت‌پذیری حاکم جائز است. باید دانست فقها بر حرمت ولایت‌پذیری از سوی حاکم جائز، فی‌الجمله اتفاق نظر یافته‌اند. لذا، در زمینه طرح الگوی حکومت، ویژگی‌های حاکم و وظایف مردم در قبال آن ظرفیت‌های مناسبی در این موضوع موجود است. هم‌چنین با بررسی تطوّر دیدگاه‌های فقهی مباحث فلسفه فقه سیاسی مانند اصل ولایت در این بحث مطرح شده است (امام خمینی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۱۵۹).

د- **درآمدها و مکتسبات صاحبان مشاغل ضروری در حکومت:** یکی از عناوین مکاسب محرمه، حرمت اخذ اجرت بر واجبات است (انصاری، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۱۴۲-۱۳۷). این موضوع از منظر فقه سیاسی راجع به اجرت صاحب منصبان در حکومت می‌تواند مؤثر باشد، زیرا آنچه بخصوص جامعه اسلامی امروز با آن مواجه گردیده است، عدم تفسیر صحیح از حقوق مسئولین و کسانی است که در حکومت وظایفی را برای رفع حوائج مردم عهده‌دار می‌شوند.

ه- **رشوه دادن و رشوه گرفتن:** در مطالعات فقه سیاسی بحث رشوه از جهت آن‌که به حق الزحمه یکی از مهم‌ترین مشاغل حکومتی اختصاص دارد، قابل بررسی است. به ویژه که در خلال بحث رشوه برخی فقیهان دایره آن را توسعه داده و حکم رشوه برای هر مسئول حکومتی قابل

تصور است. آیت الله مکارم شیرازی فرض‌های مختلفی را در بحث رشوه در زمینه اعطای مال به صاحب‌منصبان مطرح کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ق: ص ۲۰۹).

۳. منابع اجتهاد در فقه سیاسی

چنان‌که بیان خواهد شد، مکاسب محرمه و به ویژه آراء امام خمینی دربردارنده بسیاری از رویکردهای فقهی در زمینه منابع اجتهاد در فقه سیاسی است که در ادامه نوشتار به تفصیل بررسی خواهد شد. هر دانشی از روش‌های خاصی برای مطالعه برخوردار است. دانش فقه نیز از این امر مستثنی نیست. لذا الگوی مطالعه آن، اجتهاد نامیده شده است. مطالعه و پژوهش در هر شاخه فقه مستلزم شناخت راه‌های اجتهاد است. اجتهاد در فقه سیاسی بدین معناست که استنباط احکام شرعی سیاسی با مراجعه فقیهانه به منابع معرفتی معتبری محقق خواهد شد که اعتبار آن در گروی اثبات مبانی نظری آن منابع فقه سیاسی است (میراحمدی، ۱۳۸۹: ص ۱۳۳). امری که تا حدود زیادی در کتاب‌های اصول فقه بیان گردیده است. تحولات منابع اجتهادی در فقه سیاسی نیز از موضوعاتی است که محققان بدان می‌پردازند (شیرخانی و ابراهیمی ورکانی، ۱۳۹۷: ص ۱۱۸). آنچه در این قسمت از نوشتار بدان خواهیم پرداخت، ظرفیت‌های موضوعات مکاسب محرمه در تبیین برخی منابع اجتهاد در فقه سیاسی است که در کتاب مکاسب محرمه و بویژه آراء امام خمینی مطرح است.

۳-۱. حکم عقل

عقل به عنوان چهارمین دلیل در کنار کتاب، سنت و اجماع برای کشف احکام شرع در جریان اجتهاد و استنباط مطرح است. به عبارت دیگر، حکم عقل هر قضیه عقلی است که با آن بتوان علم قطعی به حکم شرعی را دریافت کرد (مظفر، ۱۴۳۰ق: ج ۳، ص ۱۳۳). باید دانست استفاده از حکم عقل در موضوعات مکاسب محرمه امری است که مورد توجه شیخ انصاری و سایر شارحان قرار دارد. با واکاوی دیدگاه‌های فقهی، کارکرد حکم عقل را در دو ناحیه می‌توان بررسی کرد:

۳-۱-۱. دلیل حکم فقهی و تعیین حدود آن

از ظاهر کلمات شیخ انصاری برمی‌آید که دلیل اصلی حکم حرمت حفظ کتب ضاله، حکم

عقل به قطع ماده فساد است و از آنجا که هرگاه حکم عقل دلیل حکمی واقع شود، موضوعات آن حکم را نیز عقل مقید می‌سازد به نظر شیخ در بحث کتب ضاله، عقل در صورتی حفظ آن را قبیح می‌داند که از وجود آن مفسده حاصل گردد.

محقق ابروانی به عنوان ناقد این دلیل می‌فرماید: «اگر عقل به این مسئله (قلع ماده فساد) حکم کند، باید به وجوب قتل کافر نیز حکم کند، بلکه مطلق هر کسی که انسان‌ها را از راه خداوند گمراه می‌کند شامل این حکم است. هم‌چنین باید به وجوب حفظ مال دیگری از تلف نیز حکم کند، در حالی که چنین حکم‌هایی ممنوع است...» (ابروانی، ۱۴۰۶ق: ج ۱، ص ۲۵).

آیت الله خویی و برخی فقیهان دیگر نیز تمسک به حکم عقل را دچار اشکال می‌دانند. به نظر ایشان اگر مدرک این حکم عقلی حسن عدل و قبح ظلم باشد، بدین صورت که حفظ کتب ضاله به عنوان ماده فساد ظلم است، باید گفت دلیلی وجود ندارد که دفع ظلم در همه موارد واجب است، وگرنه خداوند بر انبیاء و اوصیاء خود دستور می‌داد که تکویناً از ظلم جلوگیری کنند، با اینکه خود خداوند که بر این مسئله تواناست، انسان‌ها را در راه انجام ظلم و عدل آزاد گذاشته است تا راه را پیدا کرده و شکرگزار یا کافر گردند. هم‌چنین اگر مدرک این حکم وجوب طاعت و حرمت معصیت باشد، از آنچه که خداوند به قلع ماده فساد امر کرده است و وجوب طاعت ایجاب می‌کند که این امر انجام پذیرد باز باید گفت برای این مسئله نیز باید دلیل خاص باشد، مثل شکستن بت‌ها و سایر آلات بت‌پرستی. ایشان در ادامه معتقدند که در مواردی که فساد موجب وهن حق، تقویت باطل و سایر اموری است که نزد شریعت اهمیت بالایی دارد، قلع آن واجب است، اما این موضوع از ادله شرعی به دست می‌آید و حکم عقل به تنهایی بدان راه پیدا نخواهد کرد، در واقع حاصل نظر ایشان طبق تقریر اول از عقل این است که حکم عقل در ذیل قضیه حسن عدل و قبح ظلم از کلیت برخوردار نیست و به موارد خاص تعلق دارد (خویی، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۵۴-۲۵۵).

هم‌چنین در موضوع معاملاتی که به قصد فراهم آوردن مقدمات حرام صورت می‌گیرد (مانند فروش انگور به شراب‌ساز)، بحث وجوب رفع و دفع منکر به عنوان دلیل قاعده حرمت اعانه بر اثم که از ادله حکم مربوط بوده، مطرح شده است. فقیهان برای اثبات وجوب دفع منکر از حکم عقل بهره گرفته‌اند. ارتباط این موضوع با فقه سیاسی به ویژه با رویکرد امام خمینی که نگاه

حکومتی به موضوع دارند، کاملاً قابل درک است. به نظر ایشان ملاک حکم نهی از منکر، قلع ماده فساد و عدم وقوع معصیت در جامعه است که در این راستا عقل حکم می‌کند هر فعلی ملاک مبعوضیت نزد شارع داشت، باید جلوی آن گرفته شود. در این مسئله حتی جهت صدور فاعل مطرح نیست، لذا اگر امر مبعوض از غیرانسان صادر شود، باید جلوی آن گرفته شود (سفک دماء توسط حیوان درنده). از این رو هر دو مرحله دفع و رفع دارای ملاک فوق هستند و داخل در نهی از منکر می‌شود (امام خمینی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۲۰۵-۲۰۴).

اما باید دانست رویکرد فقیهان دیگری چون محقق خویی و منتظری در به کارگیری حکم عقل با امام خمینی تفاوت دارد. ایشان بر این باورند که گرچه در دلیل وجوب دفع و رفع منکر می‌توان از حکم عقل استفاده کرد، اما چنانچه روشن است از ویژگی‌های حکمی که با عقل اثبات گردد، آن است که دامنه موضوع حکم را نیز عقل تعیین می‌کند و در فرض حاضر، عقل میان امور مهمه و غیرمهمه نزد شرع تفاوت قائل است. از این رو محقق خویی می‌فرماید: «اگر منکر از اموری باشد که شارع به عدم وقوع آن اهتمام دارد، مانند قتل نفس محترم، هتک آبرو، نابود کردن اموال و تخریب اساس دین و شوکت مسلمانان، ترویج بدعت‌های گمراه‌کننده و مانند آن دفع این منکرات به ضرورت عقل و اتفاق مسلمانان واجب است ... اما در آنچه نزد شارع اهتمام ویژه نیست، دلیلی بر وجوب دفع منکر نیز وجود ندارد» (خویی، بی‌تا: ج ۱، ص ۱۸۱). منتظری نیز چنین تفصیلی میان امور مهم و غیرمهم نزد عقل قائلند (منتظری، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۳۵۸).

با بررسی دو مسئله فقهی فوق (حرمت حفظ کتب ضاله و وجوب دفع منکر) می‌توان در زمینه به کارگیری عقل متوجه شد که عقل همواره تعیین‌کننده حدود موضوعات حکم خویش است که در این زمینه دو دیدگاه وجود دارد. در دیدگاه اول تفصیلی بین امور مهم و غیرمهم نیست، اما در دیدگاه دوم همواره بین امور مهم و غیرمهم تفاوت وجود دارد و عقل، حدود موضوعات حکم خود را با این ضابطه مشخص می‌نماید.

۳-۱-۲. بهره‌گیری از حکم عقل در تحلیل نصوص

باید دانست کارکرد حکم عقل در رویکرد امام خمینی جایگاه بلندی دارد. (جعفرزاده و دیگران، ۱۳۹۷: ص ۵۳). یکی از کارکردهای حکم عقل در روش اجتهادی امام خمینی، تحلیل

نصوص بر اساس آن است. نمونه روشن آن را در موضوع بیع سلاح به اعداء دین می‌توان بررسی کرد. چنانچه گذشت امام خمینی این موضوع را از مسائل فقه حکومتی دانسته که حکومت باید با استفاده از حکم عقل، تصمیم مقتضی را اتخاذ نماید. لذا ایشان نصوصی که در این موضوع وارد شده است را از دریچه حکم حکومتی شارع در آن زمان دانسته که از عقل در تشخیص مصلحت بهره گرفته است. به نظر امام خمینی پس از تقریر حکم عقل در این مسئله، تمسک به اصول و قواعد ظاهری دارای جایگاه نیست. امام خمینی در تحلیل نصوص، روایاتی را که در آن‌ها فروش سلاح در زمان صلح جایز دانسته شده و در غیر آن حرام است از اثبات تفصیل بین زمان جنگ و صلح برای جواز و عدم جواز معامله قاصر می‌داند، زیرا این روایات مربوط به زمان صادقین(ع) می‌باشد که شیعه دارای حکومت مستقل نبوده است. لذا تسری این حکم به زمانی که شیعه دارای حکومت مستقل باشد، صحیح نیست (امام خمینی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۲۳۰). ایشان در این زمینه می‌فرماید: «اطلاق روایات حتی اگر سالم بماند با حکم عقل قطعی مقید می‌شود، زیرا زمانی که خوف و ترس از دشمنان نباشد و تسلط اسلام بر آنها وجود داشته باشد، مشکلی در فروش سلاح حتی به کفار نیست» (امام خمینی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۲۳۴).

۳-۲. توجه به مقاصد شریعت

از جمله مبانی‌ای که در اجتهاد موضوعات فقه سیاسی جایگاه قابل توجهی دارد و در موضوعات مکاسب محرمه متجلی است، توجه به مقاصد و اهداف خرد و کلان شریعت می‌باشد. چنانچه در مباحث اصولی مطرح شده است، مقاصد شریعت به معنای حکمت‌ها و مصالحی است که شارع از طریق تشریع حکم در پی آن می‌باشد (حکیم، ۱۴۱۸ق: ص ۲۹۶). نمونه‌های استفاده از مقاصد شریعت را می‌توان در موارد ذیل واکاوی کرد:

۳-۲-۱. توجه به مقاصد شریعت و یافتن نگرش راهبردی به سوی برخی احکام و قواعد فقهی

امام خمینی در تبیین حکم فروش شراب، بر این باورند که حکم حرمت برای فروش شراب به قصد مداوا و یا ساختن سرکه با استفاده از ظاهر ادله مشکل است. اما در تفسیر روایاتی که همه عوامل سازنده شراب توسط پیامبر(ص) لعن شده‌اند، می‌توان گفت از این گروه روایات برمی‌آید

که همه کسانی که مقدمات شرب خمر را فراهم می‌سازند، عمل حرام مرتکب می‌شوند و این موضوع نه از باب آن است که مقدمه حرام، حرام است، بلکه یک راهبرد سیاسی برای ریشه‌کن کردن فساد در جامعه بوده که توسط پیامبر(ص) دستور داده شده است (امام خمینی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۴۱). این رویکرد امام خمینی در مسائل دیگری مانند حرمت فروش وسائل ساخت شراب و اعانه بر اثم نیز دیده می‌شود (امام خمینی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۲۱۴). در واقع نگاه امام خمینی به موضوع حسم ماده فساد از منظر مقاصد شریعت نیز قابل بررسی می‌باشد، زیرا به عنوان هدف راهبردی شارع مورد نظر واقع شده است و از آن رو که در راستای تأمین مقاصد ضروری شرع مانند حفظ دین قرار دارد، لازم التحصیل بوده و وجوب آن به عنوان یک قاعده کلی قابل تحلیل است. در همین راستا امام خمینی راجع به قاعده حرمت اعانه بر اثم می‌فرماید: شارع مقدس به وسیله نهی از اعانه بر اثم و عدوان، نابودی فساد را اراده کرده است، لذا فرقی ندارد که فرد معین قصد رساندن ظالم به عملش را داشته باشد یا نداشته باشد، زیرا نهی از اعانه برای حفظ هدف بزرگ‌تری بوده که قلع ماده فساد است. لذا، خصوصیت قصد (با این رویکرد) از نظر عرف ملغی است (امام خمینی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۲۱۴).

۳-۲-۲. نقش مقاصد شریعت در تحلیل نصوص

از جمله کارکردهای ذکر شده برای مقاصد شریعت، نقش نظارتی آن‌ها در برداشت و تفسیر یک فقیه از ادله و نصوص شرعی است (علیدوست، ۱۳۸۸: ص ۳۸۶). این کارکرد نیز در دیدگاه‌های امام خمینی در موضوعات مکاسب محرمة قابل توجه است. ایشان در موارد متعددی نسبت به نصوص تحلیلی متفاوت از سایر فقیهان دارند که با دقت در مبانی اجتهادی امام خمینی می‌توان نقش نظارتی مقاصد شریعت در نظر ایشان را به عنوان علت این موضوع شناسایی کرد. به جهت اختصار یک نمونه آن را بیان می‌کنیم: در بحث حرمت ولایت‌پذیری حاکم جائز روایات متعددی وجود دارد که فقیهان در تحلیل رابطه میان این نصوص آراء متفاوتی ارائه داده‌اند. برخی مانند صاحب جواهر گروهی از نصوص را مطلق و گروهی را مقید دانسته و از قاعده مشهور اصولی حمل مطلق بر مقید برای جمع‌بندی آن‌ها استفاده کرده‌اند (صاحب جواهر، ۱۴۰۴ق: ج ۲۲، ص ۱۶۳-۱۶۱)، اما امام خمینی در این مبحث تحلیلی متفاوت ارائه داده‌اند. ایشان نصوص این

موضوع را در سایه برخی از مقاصد شریعت تفسیر می‌کنند. ایشان با بهره‌گیری از مقصد ولایت که از جمله مقاصد عالی شریعت و به دنبال عبودیت و ربوبیت الهی مطرح می‌شود، اشاره می‌کنند که سلطنت با جعل الهی برای پیامبر خدا(ص) و سپس برای امیر مؤمنان(ع) و ائمه طاهریں(ع) قرار داده شده است؛ از این رو هنگامی که خداوند این سلطنت را برای کسی قرار می‌دهد، احدی جواز تصرف در آن را ندارد. با این مقدمات روشن می‌شود که کارگزاران کسی که غاصب سلطنت است نیز گرچه خود غاصب نیستند، اما از جهت تصرف در مال غیر، عمل حرامی را انجام می‌دهند (امام خمینی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۱۵۹). امام خمینی برخی نصوص^۱ (طوسی، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۵۹) را در پرتو مبنای ذکر شده بازخوانی کرده‌اند (امام خمینی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۱۶۵-۱۶۳).

هم‌چنین ایشان با توجه به مقصد عدالت‌محوری، دسته دیگری از نصوص مانند روایت تحف العقول را روایاتی می‌دانند که دلالت واضحی بر حرمت ذاتی دارد، چراکه نقض‌کننده این هدف عالی شریعت است. امام خمینی درباره روایت تحف العقول می‌فرماید: «واضح است که این روایت در دلالت بر حرمت ذاتی ظاهر است. آنچه در این روایت ذکر می‌شود از جمله علل تشریع حکم است، زیرا از آنجا که مفساد عظیمی بر ولایت جائر مترتب است و حاکمان ظالم منشاء هر فسادى هستند، خداوند تعالی حکومت آنان را حرام کرده و دخول در اعمال و پذیرش ولایت از جانب ایشان را نیز حرام می‌داند» (امام خمینی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۱۶۷).

در گروه دیگری از روایات این بحث، حفظ دین و نیفتادن در ورطه ظلم و فساد دستگاه جائر به عنوان دلیل اجتناب از ولایت‌پذیری ذکر شده است. به نظر امام خمینی این روایات دلالتی بر حرمت ذاتی ولایت‌پذیری حاکم جائر ندارد، بلکه به سبب انجام عمل حرام از سوی فاعل مورد نهی قرار گرفته است (امام خمینی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۱۷۰). در جمع میان ادله متنی امام خمینی اشاره دارند که هر یک از نصوص از منظری به حرمت ولایت‌پذیری اشاره دارند. برخی از این منظر که ولایت‌پذیری موجب تصرف در سلطنت ائمه طاهریں است. دسته دیگر حرمت ذاتی ولایت‌پذیری حاکم جائر به علت نقص مقاصد بلند شریعت همچون عدالت را در نظر دارد و

۱. «مِنْ أَعْمَالِ الظَّالِمِينَ فَهُوَ لَهُ حَلَالٌ وَمَا حَرَّمَاهُ مِنْ ذَلِكَ فَهُوَ حَرَامٌ».

دسته آخر به دلیل حرمت ولایت‌پذیری از منظر ضرر از بین رفتن دین که به شخص ولایت‌پذیر مرتبط است، برمی‌گردد که این روایات گرچه اشاره به حرمت ذاتی ندارد، اما نفی‌کننده آن نیست. در واقع این روایات دارای عناوین مختلف حرمت در حیطه تعلق حکم‌اند که در خارج متحد می‌گردند. لذا، این روایات نه دارای اطلاق است و نه منافاتی با یکدیگر دارند (امام خمینی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۱۷۲).

۳-۲-۳. نقش رویکرد مقاصدی در شناخت ملاک احکام در عرصه‌های تزاحم

توجه امام خمینی به مقاصد شریعت در ناحیه تحلیل نصوص، موجب می‌شود ایشان ملاک دقیقی را در عرصه تزاحم ارائه کنند که نمونه روشن آن در بحث حرمت ولایت‌پذیری از حاکم جائز مطرح است. حرمت ولایت‌پذیری از حاکم جائز فی الجمله مورد اتفاق فقها است، اما ذیل روایات این بحث موارد استثنائی در جهت جواز ولایت‌پذیری، مطرح می‌باشد. شیخ انصاری استثنائات را از باب تزاحم می‌داند، زیرا قائل به حرمت ذاتی ولایت‌پذیری حاکم جائز بوده^۱ و به همین سبب این حکم غیر قابل تخصیص است. لذا، هر استثنائی از باب تزاحم توجیه شده است (انصاری، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۷۲). با استفاده از روایات سه نوع ولایت‌پذیری غیر حرام در این دیدگاه مطرح است:

- ولایت‌پذیری مرجوح (مکروه): در این حالت فرد تولى امور را برای ظالمان به عهده گیرد، در حالی که هم قصد تأمین معاش خویش را دارد و هم قصد احسان به مؤمنان و دفع ضرر از آنها مورد نظر او است.

- ولایت‌پذیری راجح (مستحب): فرد عهده‌دار مسئولیت از سوی ظالم است، در حالی که تنها قصد احسان به مؤمنان و دفع ضرر از آنها مورد نظر او است.

- ولایت‌پذیری واجب: انجام امر به معروف و نهی از منکر وابسته به آن است. لذا، طبق قاعده «مالا

۱. مراد از حرمت ذاتی بدان معناست که ولایت‌پذیری حاکم فی نفسه حرام است و علاوه بر آن به سبب نقض عدالت و رواج ظلم و فساد و تصرف در ولایت معصوم (ع) جزء احکام عقلی است که قبیح بوده و حرمت آن را ذاتی و غیر قابل تخصیص می‌سازد (امام خمینی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۱۶۷؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ق: ص ۳۸۰).

یتم الواجب الا به واجب مع القدره» در اینجا نیز چون انجام واجب امر به معروف و نهی از منکر، جز از راه ولایت‌پذیری واجب نیست، این امر واجب می‌شود (انصاری، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۷۷-۷۵).

امام خمینی به نظر شیخ انصاری اشکالاتی وارد کرده و مسئله تراحم را به گونه‌ای دیگر مطرح کرده‌اند. به نظر ایشان نمی‌توان امر حرام را با امور مستحب مانند احسان به برادران دینی و قضاء حوائج ایشان کنار گذاشت. هم‌چنین جمع میان ادله متنی که شیخ انصاری انجام داده و براساس آن انواع ولایت‌پذیری را مطرح کرده بود، عرفاً پذیرفته نیست. به نظر امام خمینی با توجه به کثرت مضامین روایات، باید به اخص مضمون آن‌ها تمسک کرد: «ظاهر آن است که متیقن از جواز دخول حالتی است که فرد عالم باشد در داخل شدنش، به صورتی ظلم و ضرر از شیعه دفع شده و منافعتشان حفظ می‌شود» (امام خمینی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۲۰۲). به نظر امام خمینی در تحلیل این ملاک احتمال دارد که اجازه ورود به دیوان سلطان در آن دوره، مجوزی سیاسی باشد که هدف آن مصلحت بقاء مذهب شیعه است (امام خمینی، ۱۴۱۵ق: ج ۲، ص ۲۰۳).

۳-۲-۴. توجه به مقتضیات زمان در مسائل فقه سیاسی

توجه به مقتضیات زمان امری است که امروزه در فقه حکومتی و سیاسی بسیار حائز اهمیت است، زیرا کشف مصلحت در گروی درک صحیح از عرف زمان و عدم توجه به آن منجر به تحجرگرایی می‌گردد (شیرخانی و رجائی‌نژاد، ۱۳۹۲: ص ۷۱). گرچه توجه به مقتضیات زمان به طور مستقیم به حوزه منابع مربوط نیست. اما می‌توان نقش زمان و مکان را به عنوان ابزارهای تفسیر متن در پرتو بکارگیری الغای خصوصیت و یا حکم عقل دانست. لذا شناسایی موارد کاربرد آن توسط فقیهان جهت تبیین کارکرد آن در فرایند استنباط ضروری است. شاید بتوان از برخی دیدگاه‌های امام خمینی در موضوعات مکاسب محرمه در این زمینه بهره گرفت.

بارزترین موضوع فقه سیاسی که امام خمینی رعایت مقتضیات زمان را جهت تبیین موضوع و حکم دقیق آن ضروری می‌دانند، بحث بیع سلاح به دشمنان دین است. توضیحاتی در خصوص این موضوع در مباحث پیشین گذشت، اما کاربرد آن را در ادامه با برخی گفتارهای امام خمینی روشن می‌سازیم:

امام خمینی ضمن مخالفت با تقسیم‌بندی شیخ انصاری راجع به بیع سلاح به اعداء دین، اساساً

این بحث را دارای عنوان خاصی می‌داند. به دیدگاه ایشان بیع سلاح به دشمنان دین از امور سیاسی‌ای است که تابع مصالح روز حکومت اسلامی و از شئون حکومت و دولت است. لذا، دارای ضابطه خاصی نیست، بلکه به مصلحت وقت بستگی دارد. باید دانست مهم‌ترین تأثیر این نگاه در زمینه تحلیل نصوص این موضوع رخ داده است، زیرا ایشان زمانی‌که روایات را تحلیل می‌کنند روایاتی را که در آن‌ها فروش سلاح در زمان هدنه جایز دانسته شده و در غیر آن حرام است، از اثبات تفصیل بین زمان جنگ و صلح برای جواز و عدم جواز معامله قاصر می‌داند، زیرا این روایات مربوط به زمان صادقین(ع) است که شیعه دارای حکومت مستقل نبوده، لذا تسری این حکم به زمانی‌که شیعه دارای حکومت مستقل باشد، صحیح نیست (امام خمینی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ص ۲۳۰)، بلکه تنها بیانگر مصلحت آن زمان است.

۴. نتیجه‌گیری

در نگاه محققان این پژوهش، مهم‌ترین نتیجه پژوهش حاضر، باور به ظرفیت‌مندی میراث فقهی گذشته و لزوم احیای آن در مطالعات دوران حاضر است. این مسئله با روزآمد ساختن موضوعات مکاسب محرمه در راستای مطالعات فقه سیاسی صورت گرفت.

در بخش اول پژوهش به مروری اجمالی در موضوعات فقهی با ماهیت سیاسی پرداخته شد. در این زمینه به ظرفیت مباحث مکاسب محرمه در تبیین قلمرو قواعد فقه سیاسی چون حرمت اعانه بر اثم، ترجیح اثم بر مهم و اختلال نظام اشاره شد. همچنین بیان گردید زمینه‌شناساندن قواعدی مانند وجوب قلع ماده فساد و حرمت تقویت باطل و وهن حق با واکاوی موضوعات مکاسب وجود دارد.

در بخش دوم پژوهش منابع اجتهاد در فقه سیاسی که در رویکردهای فقهی در موضوعات مکاسب محرمه دارای ظرفیت است، شناسایی و بررسی شد. سه منبع حکم عقل، مقاصد شریعت و توجه به مقتضیات زمان مورد توجه است که با بررسی رویکردهای فقهی جایگاه آن را به عنوان منابعی مهم در فقه سیاسی بدین گونه می‌توان شناسایی کرد:

– حکم عقل: با بررسی موضوعات مکاسب محرمه دو دیدگاه متفاوت فقهی در استفاده از حکم

عقل وجود دارد. در دیدگاه اول تفصیلی بین امور مهم و غیرمهم نیست، بلکه ملاک حکم عقل، مبعوضیت هر امری از نظر شارع است که نزد عقل قبیح بوده و حکم به ردع آن می‌دهد. اما در دیدگاه دوم همواره بین امور مهم و غیرمهم نزد شرع تفاوت وجود دارد و عقل به عنوان مدرک این تفصیل، حدود موضوعات حکم خود را با این ضابطه مشخص می‌نماید. این کارکرد در مسائل فقه سیاسی چون امر به معروف و نهی از منکر و نیز برخی قواعدی مانند حسم ماده فساد به روشنی دیده می‌شود، زیرا در راستای بهره‌مندی از این مباحث به عنوان ابزارهای حکومتی در اجرای احکام شرع تفاوت قابل توجهی با در نظر گرفتن ضابطه فوق خواهد بود، به گونه‌ای که در اجرای امر به معروف و نهی از منکر ضرورت درجه‌بندی میان منکرات و معروف‌ها و اولویت‌بندی براساس میزان اهمیت آن‌ها وجود خواهد داشت.

– توجه به مقاصد شریعت: در نگاه امامیه مقاصد شریعت منبع مستقلى برای اجتهاد به حساب نمی‌آید، اما با تکیه بر آن می‌توان روح و مذاق شریعت را در تنظیم قوانین دریافت و در پرتو آن نصوص و احکام را تفسیر نموده و به عملیات استنباط دقت بیشتری بخشید (علیدوست، ۱۳۹۰: ص ۳۸۶-۳۸۷). از این منبع اجتهاد در مسائل فقه سیاسی بهره وسیعی گرفته شده است که نمونه روشن تحلیل برخی احکام از منظر نگاه راهبردی آن در راستای تحقق اهداف شریعت است، امری که امام خمینی درباره حکم حرمت انواع تصرفات در شراب قائل است و به نظر ایشان حرمت فروش شراب و مقدمات آن به هر قصدی که باشد، از احکام سیاسی است که برای رفع عذر شراب‌خواران صادر شده است، زیرا در صورت جواز، ممکن است هرکسی ادعا کند که به نیت ساخت سرکه یا برای مداوا، شراب می‌خرد. این نگاه می‌تواند زمینه‌ساز نوعی نظریه‌پردازی در فقه سیاسی براساس جایگاه مقاصد شریعت باشد. علاوه بر آنکه توجه به مقاصد شریعت در عرصه‌های تزامم و راه‌یابی به ملاک اهم بسیار حائز اهمیت خواهد بود و از آنجا که عرصه‌های تزامم در مسائل فقه سیاسی مجال وسیع دارد، اهمیت این منبع نقش بیشتری می‌یابد.

منابع

۱. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). *المکاسب*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ج ۲.
۲. ایروانی، علی (۱۴۰۶ق). *حاشیه‌المکاسب*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳. جعفرزاده، سیامک؛ علی‌عسگری، ابراهیم؛ ابوصالح، سیدحسن؛ ضرابیان، نجمه (۱۳۹۷). جایگاه آزادی اندیشه در مکتب اصول فقه امام خمینی به عنوان مبانی آزادی سیاسی. *سیاست متعالیه*، شماره ۲۰: ۶۲-۴۳.
۴. حکیم، محمدتقی (۱۴۱۸ق). *الأصول العامة فی الفقه المقارن*. قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، چاپ دوم.
۵. خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۵ق). *المکاسب المحرمة*. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱-۲.
۶. خویی، سید ابوالقاسم (بی‌تا). *مصباح الفقاهه (المکاسب)*. بی‌جا: بی‌نا (نرم‌افزار جامع فقه اهل بیت (ع) نور).
۷. رضوانی، محسن؛ جاذبی، مجتبی (۱۳۹۷). تأملی بر ماهیت دانش سیاسی اسلامی. *سیاست متعالیه*، شماره ۲۲: ۷۸-۶۱.
۸. شریعتی، روح‌الله (۱۳۸۷). *قواعد فقه سیاسی*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. شیرخانی، علی؛ ابراهیمی ورکانی، محمود (۱۳۹۷). فقه سیاسی و الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت. *سیاست متعالیه*، شماره ۲۰: ۱۳۴-۱۱۵.
۱۰. شیرخانی، علی؛ رجائی‌نژاد، محمد (۱۳۹۲). *تحجر و تحجرگرایی در منظومه فکری امام خمینی. سیاست متعالیه*، شماره ۳: ۸۰-۶۱.
۱۱. صاحب‌جواهر، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. به تصحیح عباس قوچانی، علی‌آخوندی. بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.
۱۲. صدر، محمدباقر (۱۴۱۷ق). *بحوث فی علم الاصول*. بیروت: الدار الاسلامیه، ج ۳.
۱۳. طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۹۰ق). *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۲.
۱۴. علی‌دوست، ابوالقاسم (۱۳۸۸). *فقه و مصلحت*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و

اندیشه اسلامی.

۱۵. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۱). *بایسته‌های فقه سیاسی*. تهران: انتشارات مجد، چاپ دوم.
۱۶. فقیهی، سیدمهدی (۱۳۹۱). *شکوه کارآمدی فقه سیاسی*. قم: زمزم هدایت.
۱۷. مظفر، محمدرضا (۱۴۳۰ق). *أصول الفقه*. قم: موسسه النشر الاسلامی، چاپ پنجم، ج ۳.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۶ق). *انوار الفقاهة (کتاب التجارة)*. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
۱۹. منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵ق). *دراسات فی مکاسب المحرمه*. قم: نشر تفکر، ج ۲.
۲۰. میراحمدی، منصور (۱۳۸۹). *درس‌گفتارهایی در فقه سیاسی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۱. نصرتی، علی‌اصغر (۱۳۹۳). *تمایزات فقه و فقه سیاسی*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۲. یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۲۱ق). *حاشیه مکاسب*. قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ج ۱.

استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/sm.2020.103851.1340

عبدخدایی، بشری؛ فخلعی، محمدتقی؛ قبولی درافشان، سید محمدتقی (۱۳۹۹). ظرفیت‌سنجی

منابع فقه سیاسی شیعه در مباحث مکاسب محرمه. *سیاست متعالیه*، ۸(۲۸): ۱۶۳-۱۸۰